

## حفاظت از محیط زیست توسط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در چارچوب اصول هشتم (امر به معروف و نهی از منکر) و سی و چهارم قانون اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

سیدبهراد لسانی<sup>۱\*</sup>، علی مشهدی<sup>۲\*\*</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد واحد قم، قم، ایران

۲. دانشیار حقوق عمومی، دانشگاه قم، قم، ایران

پدیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۳

دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۲

### چکیده

با توجه به عمومی تلقی نمودن حفاظت از محیط زیست و همگانی بودن امر به معروف و نهی از منکر در قانون اساسی، این مقاله نخست در صدد توجیه حفاظت از محیط زیست از طرق گوناگون نظیر توصیه و ارشاد، تذکر و اخطار تا دادخواهی در مراجع قضایی بر مبنای اصل هشتم سی و چهارم است. همچنین ضمن نقد قانون آ.د.ک و با استناد به برخی آرای قضایی و نظرات حقوقی بر این امر متمرکز می‌شویم که با وجودی که قانون اساسی صراحتاً حق دادخواهی افراد را به رسمیت شناخته است، لکن در صورتی که شهروندان و سمن‌ها مستقیماً یا به طور غیرمستقیم از وقوع تخلفات زیست‌محیطی زیان ببینند، می‌توانند در محاکم قضایی دادخواهی نمایند. در غیر این صورت سمن‌های زیست‌محیطی واجد شرایطی که به تأیید وزارت کشور و قوه قضائیه رسیده‌اند، صرفاً حق اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی را خواهند داشت که این نوعی عقب‌گرد زیان‌بار از حق دادخواهی است. لذا با وجود نقص قوانین و مشکلاتی که در اعمال حق دادخواهی زیست‌محیطی شهروندان وجود دارد، توسعه‌ی رویکرد قوه قضائیه در برخی پرونده‌ها از طریق تفسیر موسع از قوانین و مقررات پیشنهاد می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** محیط زیست، سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های عمومی، دادخواهی، امر به معروف و نهی از منکر

\* Email: lesanibehzad2007@yahoo.com

\*\* Email: mashadiali@yahoo.com

## مقدمه

با عنایت به آنکه نظارت، بازرسی و کنترل واژه‌های مترادفی هستند که در علوم اجتماعی به‌ویژه حقوق و سیاست جایگاه و اهمیت خاص دارند و در نظام‌های مدیریتی یکی از ارکان اصلی و عوامل اثرگذار محسوب می‌شوند، لذا نظارت به معنای رؤیت و نوعی مشاهده غیرمستقیم اعمال اشخاص حقیقی و حقوقی به کار می‌رود که اطلاع از نحوه عملکرد آنان را در حد مشاهده‌ی حضوری، شفاف و قابل ارزیابی قرار می‌دهد. با توجه به آنکه بیشترین و مهم‌ترین کاربرد نظارت، در امور سیاسی و در ارتباط با حاکمیت است و نظارت بر حاکمیت به معنای کنترل قدرت و جلوگیری از سوء استفاده از آن و ارائه نقطه‌نظرهای اصلاحی در جهت هدایت مدیران سیاسی است (موسی‌زاده و دیگران: ۱۳۸۹، ص ۱۳ و ۱۵) موضوع نظارت بر اشخاص حقیقی و حقوقی به‌ویژه اشخاص حقوق عمومی با توجه به گستردگی و حجم فعالیت‌ها و اقدامات آنها در سطح کشور و تخلفات زیست‌محیطی که از سوی آنها صورت می‌گیرد، امر مهمی است. در این راستا در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی نخست به بررسی اصل هشتم قانون اساسی مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر در حوزه‌ی محیط زیست و سپس به تحلیل و تبیین اصل سی و چهارم قانون اساسی و نحوه‌ی اعمال حق دادخواهی شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در دعاوی جمعی و گروهی در مواجهه با تخلفات و جرائم زیست‌محیطی به خصوص تخلفات صورت‌گرفته از سوی نهادهای عمومی خواهیم پرداخت؛ چراکه پس از اصلاح قانون آ.د.ک در سال ۱۳۹۴ در رابطه با حق دادخواهی سمن‌های زیست‌محیطی تغییراتی صورت گرفته که در ضمن مباحث به آن می‌پردازیم.

### ۱. امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت ارتباط با محیط زیست

قانون اساسی ج.ا.ا قانونی برگرفته از شرع مبین دارای اصولی است که اجرای آنها می‌تواند جامعه‌ای آرمانی را سامان‌دهی و زمینه‌ی رشد و تعالی همه‌جانبه برای شهروندان را فراهم آورد. اصل هشتم برگرفته از قرآن و سنت و منطبق بر هدف مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران است (بسیج: ۱۳۸۷، ص ۱۰۹). اصل مذکور مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.» «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.» با توجه به تکلیف و وظیفه تلقی نمودن امر به معروف و نهی از منکر در اصل مذکور و عمومی تلقی نمودن حفاظت از محیط زیست بر مبنای اصل پنجاهم<sup>(۱)</sup> قانون اساسی،

با وجود تخلفات و جرائم زیست‌محیطی متعددی که در کشورمان وجود دارد، در این قسمت نخست به بررسی مفهومی این فریضه‌ی بزرگ و سپس به ارتباط حفاظت از محیط زیست با اصل امر به معروف و نهی از منکر و توجیه اقدامات شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌ی حفاظت محیط زیست بر مبنای اصل مذکور خواهیم پرداخت.

### ۱-۱. تحلیل مفهومی امر به معروف و نهی از منکر

یکی از واجبات مهم اجتماعی در دین اسلام امر به معروف و نهی از منکر است. این واجب یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین فروع دینی است که قوام دین به آن بستگی دارد و با اجرای صحیح این اصل، واجبات دیگر نیز احیا می‌شوند و جامعه به سمت کمال و اصلاح و ترقی پیش خواهد رفت، همچنان‌که با متروک ماندن آن به سمت فساد و انحطاط پیش می‌رود (سیفی کناری: ۱۳۹۰، ص ۱۹ و ۲۰). امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک هنجار دینی و یک امر واجب افراد را با نقش خود در رابطه با تکالیف و حقوق آشنا کرده و آنان را موظف به رعایت انتظارات نقش می‌کند و این مهم موجب می‌شود تا افراد وظیفه و تکلیف خود را انجام داده به سمت تشکیل جامعه‌ای سالم حرکت کنند. با توجه به آنکه حق بر محیط زیست جزء حقوق شهروندی محسوب می‌گردد، امر به معروف و نهی از منکر هم در شمار حقوق شهروندی و امری فطری است و هم برای اصلاح جامعه و پیروزی بر مشکلات وضع گردیده و بهترین راه برای سعادت جامعه و فرد و عالی‌ترین امکان برای حفظ و پاسداری از حقوق شهروندی است؛ لذا هنجارشکنی‌های امروز ناشی از نهادینه نشدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است که در تضاد با حقوق شهروندی است (بسیج: ۱۳۸۹، ص ۱۵). تحقق فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر که در پی جانفشانی امت اسلامی در ایران به تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران انجامید، این امکان را فراهم کرد تا این واجب اجتماعی جامعه‌ی حقوقی بر تن کرده و اجرای آن در قالب اصلی از اصول قانون اساسی نهادینه و تضمین گردد. علاوه بر قانون اساسی، سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که ضوابط و حدود امر به معروف و نهی از منکر را مشخص نموده‌اند، شوراهای اسلامی نیز در راستای انجام وظایف زیست‌محیطی که به موجب قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی به عهده آنها واگذار شده، با انعقاد تفاهم‌نامه‌های گوناگون با واحدهای تابعه‌ی سازمان حفاظت محیط زیست در رابطه با تشکیل ستادهای امر به معروف و نهی از منکر در راستای تحقق این فریضه‌ی مهم گام برمی‌دارند.

## ۱-۲. حفاظت از محیط زیست با استناد به اصل امر به معروف و نهی از منکر

اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت می‌داند. تردیدی نیست که هدف قانونگذار از امر به معروف توسط دولت یا به دولت اختصاصی به قوه‌ی مجریه نداشته است؛ لذا تعبیر دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت به خوبی گویای نهادهای حکومت یعنی قوای سه‌گانه و همه‌ی نهادهایی است که به حاکمیت مربوط می‌شوند.<sup>(۳)</sup> همچنین دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر در نظام‌های مردم‌سالار غیردینی به عنوان یک حق برای شهروندان در نظر گرفته می‌شود. لازم به ذکر است شاید در جهان امروز بارزترین مصداق معروف و منکر بین جوامع غربی و بسیاری از جوامع دیگر رعایت حقوق بشر و نقض آن باشد که نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز نهادهایی با هدف ترویج حقوق بشر و جلوگیری از نقض آن ایجاد شده‌اند، مانند ماده‌ی ۲۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که هر کس را در مقابل جامعه‌ای که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر نماید، دارای وظیفه می‌داند. حق انسان بر زندگی در یک محیط سالم ایجاب می‌کند که او یا دولت با عوامل ناامنی روحی و روانی مبارزه کند؛ لذا بسیاری از نهادهای حقوق بشری کارویژه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را دارا هستند، هرچند در تمامی مصداقی معروف و منکر توافقی وجود ندارد (طلائیکی و اصلانی: ۱۳۹۴، ص ۳۶، ۴۳، ۴۷). اما در مردم‌سالاری دینی امر به معروف و نهی از منکر بر اساس موازین شرعی به عنوان حق و تکلیف مطرح است. گرچه از نظر شرعی خطاب قرآنی و روایی امر به معروف و نهی از منکر متوجه مسلمانان است، ولی چون قانونگذار آن را همگانی دانسته است، به فرد یا جریان یا گروه یا دین خاصی تعلق ندارد و همه‌ی اشخاص حقیقی و حقوقی را در بر می‌گیرد. از این رو انجمن‌ها، احزاب و گروه‌های صنفی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مخاطب قانون اساسی در انجام این وظیفه هستند و دولت و تمامی مقامات دولتی لازم است پذیرای نظارت عمومی شهروندان باشند. همچنین نظارت مردم نسبت به نهادها و مقامات دولتی عام و در همه‌ی موارد است. بر اساس بند هشتم اصل سوم قانون اساسی دولت ملزم به زمینه‌سازی همه‌جانبه برای مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش است. این امر نشان می‌دهد که نظارت بر دولت در قلمرو بسیار گسترده‌ای مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون و حق مردم برای اظهار نظر هم نسبت به عملکرد دولتمردان و هم نسبت به قوانین و مقررات به رسمیت شناخته شده است (جوان آراسته: ۱۳۹۲، ص ۱۳۷-۱۳۸). از سوی دیگر تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از

منکر در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۳ به دستور اصل هشتم قانون اساسی مبنی بر تعیین ضوابط و حدود امر به معروف و نهی از منکر و ارجاع آن به قانون عادی جامه‌ی عمل پوشانید. در ماده‌ی ۴ قانون مذکور مراتب امر به معروف و نهی از منکر قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه‌ی آحاد مردم و دولت است و مرتبه‌ی عملی آن در موارد و حدودی که قانون معین کرده تنها وظیفه‌ی دولت است. لذا در رابطه با مسائل و منکرات زیست‌محیطی همان‌طور که اشاره گردید، مردم و سمن‌ها در صورت مشاهده‌ی تخلفات و تجاوزات زیست‌محیطی چه از جانب بخش خصوصی و چه از جانب بخش عمومی می‌توانند نسبت به تذکر زبانی و نوشتاری به صورت اخطار، تذکر، انتشار در مجلات و نشریات و اعلام در رسانه‌های گروهی اقدام نموده و مرتبه‌ی عملی شامل توقف عملیات، توقیف متعرضان به محیط زیست و... را به خود دولت و نهادهای دولتی واگذار نمایند و به ارائه‌ی گزارش به مقامات ذی‌صلاح اداری و قضایی تا اقامه‌ی دعوی علیه متخلفان بسنده نمایند.

#### ۱-۲-۱. حفاظت از محیط زیست به کمک امر به معروف و نهی از منکر توسط نهادهای عمومی

دولت و سازمان‌های عمومی فعال در زمینه‌ی محیط زیست در صورت مشاهده‌ی تخلفات زیست‌محیطی از سوی بخش خصوصی یا بخش عمومی، نخست با صدور اخطاریه‌های گوناگون و الزام آنان به تهیه‌ی گزارش‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی طرح‌ها و پروژه‌ها به امر به معروف و نهی از منکر به صورت زبانی و نوشتاری اقدام نموده، در غیر این صورت به اقدام عملی علیه متجاوزین به محیط زیست به صورت توقف فعالیت‌های آنها و توقیف متخلفان بنا به حکم مراجع قضایی صلاحیت‌دار دست خواهند زد، مانند آنچه در قوانین زیست‌محیطی نظیر قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و قانون هوای پاک و... در رابطه با وظایف نهادهای عمومی ذی‌ربط در برخورد با تخلفات و جرائم زیست‌محیطی وجود دارد. هرچند در صورتی که انجام تخلفات زیست‌محیطی از ناحیه‌ی بخش عمومی و دولتی صورت گیرد، با توجه به قدرت و حاکمیتی که این بخش‌ها در اختیار دارند و به دلیل ملاحظات سیاسی، توصیه و ارشاد و حتی الزام و اجبار آنها بدون ارجاع پرونده‌ی تخلفات آنها به مراجع قضایی کار آسانی نخواهد بود و چه بسا با لابی‌گری و اقداماتی از این دست به اقدامات متجاوزانه‌ی خود علیه محیط زیست ادامه دهند. اما نکته‌ی قابل توجه در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ماده‌ی ۱۱ آن است که قوه‌ی قضائیه را مکلف به اختصاص شعب ویژه‌ای جهت تسریع در رسیدگی به جرائم موضوع این قانون نموده که این امر مستلزم به‌کارگیری قضات مستقل و حمایت از استقلال آنها توسط قوه‌ی قضائیه است تا میزان زیادی از اعمال نفوذ و رانت و لابی‌گری نهادهای عمومی به‌ویژه سازمان‌هایی که اقدامات آنها به

نحوی با مسائل زیست‌محیطی کشور مرتبط است جلوگیری گردد.<sup>(۳)</sup> از سوی دیگر در راستای تحقق اصل هشتم قانون اساسی و سیاست‌های کلی مذکور ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، سازمان حفاظت محیط زیست و ستاد امر به معروف و نهی از منکر تفاهم‌نامه‌ای را با یکدیگر منعقد نمودند و مطابق آن سازمان حفاظت محیط زیست، شورای امر به معروف و نهی از منکر را در بدنه‌ی سازمان ایجاد نموده و در پایگاه اینترنتی شورای فوق‌امکان ثبت‌نام آمران به معروف و ناهیان از منکر در زمینه‌ی مسائل زیست‌محیطی فراهم گردیده است؛ به طوری که بنا به اظهار نظر ریاست وقت سازمان حفاظت محیط زیست در ۲۱ مهرماه ۱۳۹۵ ارتقای سطح آگاهی نسبت به محیط زیست در جهت اطلاع رسانی به مردم، رفتار صحیح شخص آمر در خصوص حفظ مسائل زیست‌محیطی، تذکر به متخلفان و مجرمان تخریب‌کننده‌ی محیط زیست و گزارش به مراجع عالی در آخرین مرحله از مراحل اجرایی امر به معروف و نهی از منکر در عرصه‌ی حفاظت محیط زیست است (باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۳۹۵، کد خبر: ۵۸۱۵۵۷۰).

#### ۱-۲-۲. حفاظت از محیط زیست به کمک امر به معروف و نهی از منکر توسط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد

یکی از نکات قابل توجه در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ماده‌ی ۸ آن است که مطابق آن مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد حق دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را نسبت به کلیه‌ی سازمان‌های عمومی دارا هستند. بر اساس ماده‌ی فوق «مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت و ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است امر به معروف و نهی از منکر کنند». بنابراین هر یک از افراد جامعه به عنوان یک شهروند و مجموع آنها تحت عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد با استناد به حق بر محیط زیست خود در صورت مشاهده تخلفات زیست‌محیطی از سوی نهادهای عمومی و مقامات و کارکنان آنها که در اثر سوء عملکرد آنها صورت می‌گیرد، حق اعتراض و بازخواست اقدامات آنها در قالب امر به معروف و نهی از منکر را خواهند داشت و تصریح چنین حقی در ماده مذکور سبب می‌گردد هیچ یک از نهادها حق امتناع از پاسخگویی به شهروندان نسبت به عملکرد نامناسب خود در حوزه‌ی محیط زیست را نداشته باشند. همچنین تصریح چنین حقی در این ماده اقدامی مناسب از سوی قانونگذار در جهت مقابله با سوء استفاده‌های دستگاه‌های اجرایی از منابع طبیعی و محیط

زیستی است که حیات نسل کنونی و نسل آینده در گرو آن است. همچنین ماده‌ی ۱۶ قانون مذکور در بند پنجم و نهم و دهم یکی از وظایف ستاد امر به معروف و نهی از منکر را زمینه‌سازی جهت مشارکت همه‌جانبه‌ی آحاد مردم و دستگاه‌های اداری و رسانه‌های عمومی در امور مربوط به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و شناسایی ظرفیت‌ها و کمک به تشکیل تشکل‌های مردمی فعال و حمایت همه‌جانبه از اقدامات قانونی آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌داند. لذا همان‌طور که در ادامه‌ی بحث خواهیم دید، انعقاد تفاهم‌نامه‌های گوناگون توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر با دستگاه‌های اجرایی که به نحوی با موضوع محیط زیست در ارتباط‌اند و اقداماتی نظیر تسهیل تشکیل سمن‌های زیست‌محیطی، در جهت تأمین منویات قانونگذار در اصل مذکور است. لازم به ذکر است که رهبر معظم انقلاب در اجرای بند یک اصل یکصد و دهم قانون اساسی، سیاست‌های کلی محیط زیست را ابلاغ نمودند که در بند ۱۴ آن بر گسترش سطح آگاهی، دانش و بینش زیست‌محیطی جامعه و تقویت فرهنگ و معارف دینی، مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌ویژه امر به معروف و نهی از منکر برای حفظ محیط زیست در تمام سطوح و اقشار جامعه تأکید گردیده است. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: ۱۳۹۷) شایان توجه است که نظارت مردم بر دولت از چند طریق قابل انجام است. یکی از راه‌ها، مطبوعات و رسانه‌های گروهی و صدا و سیماست (از این نظر که خواسته‌ها و نقطه‌نظرات مردم را به گوش مسئولان می‌رساند)، چراکه بر اساس اصل ۲۴ قانون اساسی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مشروط بر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشد. بر اساس اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز در صدا و سیما آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور بایستی تأمین گردد. یکی دیگر از ابزارهای نظارت مردمی و تحقق امر به معروف و نهی از منکر بر عملکرد دولت از طریق احزاب و انجمن‌های سیاسی بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی است. از آنجا که یکی از کارکردهای مهم این نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد، نقد و ارزیابی اعمال دولت و مقامات دولتی است، لذا احزاب، انجمن‌ها و سمن‌ها را می‌توان از مجموعه‌هایی تلقی نمود که بیشترین خلاقیت‌ها را نسبت به حل مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه دارند. دیگر ابزار نظارت مردمی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر، اجتماعات و راهپیمایی‌ها توسط مردم است که اصل ۲۷ قانون اساسی آن را به عنوان یکی از حقوق ملت برشمرده است. با توجه به آن که امر به معروف و نهی از منکر در سه مرحله‌ی قلبی، زبانی و عملی صورت می‌گیرد، باید اذعان نماییم که در مورد مرحله‌ی سوم یعنی مرحله‌ی اعمال قدرت، اقدام عملی افراد برای نهی از منکر در بسیاری از موارد باعث به هم ریختگی نظم اجتماعی و هرج و مرج خواهد

شد. از این رو در زمان حاضر با وجود حاکمیت نظام، مردم فقط وظیفه‌ی امر و نهی قلبی و زبانی دارند و اقدام عملی برای جلوگیری از منکر در هر مرتبه و سطحی وظیفه‌ی مقامات صلاحیت‌دار دولتی است، مگر آنکه منکر از مواردی باشد که در هر شرایطی باید از وقوع آن جلوگیری کرد، مانند نقض حق حیات انسان‌ها یا آنکه در زمان وقوع منکر به مقامات انتظامی و قضایی دسترسی نباشد. همچنین در برخی موارد گاه منکر به قدری دارای اهمیت و حساسیت است که حتی انکار قلبی و زبانی از سوی مردم عادی یعنی کمترین واکنش نسبت به متخلفان سبب می‌شود که کلیه‌ی مراحل پیگیری، تعقیب و دستگیری آنان با مشکل روبرو شود. به همین دلیل می‌توان گفت که در مورد این دسته از منکرات هر گونه اقدام در هر مرحله را باید به دولت و مقامات دولتی سپرد و نقشی که مردم از باب نهی از منکر می‌توانند ایفا نمایند، صرفاً نقش گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی در مراحل اولیه است (جوان آراسته: ۱۳۹۰، ص ۲۷۷-۲۶۶). لازم به ذکر است که تخلفات و جرائم زیست‌محیطی در جامعه‌ی امروزی ما یکی از منکراتی است که در گذشته به شکل و اندازه‌ی کنونی وجود نداشته و در صورت وجود نیز با تخلفات و سوء استفاده‌های جوامع کنونی که طبیعت را کاملاً مقهور خود ساخته‌اند قابل مقایسه نبوده است. در راستای انجام مراحل سه‌گانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر یعنی مرحله‌ی انکار قلبی، زبانی و عملی در امور و مسائل زیست‌محیطی و اقداماتی که از ناحیه‌ی اشخاص حقیقی و حقوقی صورت می‌گیرد نیز می‌توان هم نسبت به انکار قلبی اقدام نمود و هم نسبت به انکار زبانی. و چه بسا که شهروندان آمر به معروف و ناهی از منکر از طرقی مانند رسانه‌های گروهی و مطبوعات و برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها در چارچوب قوانین و مقررات و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد به بررسی و واکاوی اقدامات اشخاص حقوقی خصوصی و دولت به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت حقوقی حقوق عمومی در جهت تحقق دستور اصل هشتم قانون اساسی مبنی بر دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر اقدام نمایند. به این صورت که علاوه بر شهروندان، سمن‌های ثبت‌شده در وزارت کشور نیز که از برخی امکانات نظیر بودجه‌ی اختصاصی، انتشار نشریه، اعضای بعضاً متخصص در حوزه‌ی محیط زیست و... برخوردارند، با نظارت مستمری که بر عملکرد اشخاص حقیقی و حقوقی دارند، در صورت مشاهده‌ی تخلفات زیست‌محیطی از سوی آنها از طریق توصیه و ارشاد و تذکر و اخطار و در نهایت اگر تخلفات زیست‌محیطی از سوی بخش خصوصی باشد، با ارائه‌ی گزارش به نهادها و مؤسسات عمومی و در صورت عدم توجه و رسیدگی نهادهای مذکور یا اگر تخلفات زیست‌محیطی مشاهده‌شده از سوی نهادها و مؤسسات عمومی باشد، از طریق ارائه‌ی گزارش به قوه‌ی قضائیه و تقدیم گزارش به سازمان بازرسی کل کشور و حتی



اقامه‌ی دعوی زیست‌محیطی علیه نهادهای دولتی و غیردولتی در مراجع قضایی در راستای اجرای اصل هشتم مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر گام برمی‌دارند. همچنین با توجه به اینکه یکی از راه‌های مشارکت شهروندان در امور اجتماعی، فرهنگی، عمرانی، بهداشتی و محیط زیستی عضویت در شوراهای اسلامی است، شوراهای مذکور به عنوان بازوان نظارتی شهروندان در زمینه‌ی مسائل زیست‌محیطی به موازای نهادهای عمومی در سطح کشور فعالیت نموده و زمینه‌ی تحقق امر به معروف و نهی از منکر را فراهم می‌نمایند. به همین منظور در جهت استفاده‌ی بهینه از پایگاه مردمی و توان اجرایی شوراهای مذکور هرچه بهتر اصل پنجاهم قانون اساسی که حفاظت محیط زیست را وظیفه‌ای عمومی تلقی نموده است و برای جلب مشارکت‌های مردمی و پرهیز از انجام کارهای موازی و حفظ سرمایه‌های ملی و با توجه به جایگاه محیط زیست در توسعه‌ی پایدار کشور و با عنایت به وظایف مشترک سازمان حفاظت محیط زیست و شوراهای اسلامی تفاهم‌نامه‌ای میان شورای عالی استان‌ها و سازمان حفاظت محیط زیست منعقد گردیده است و یکی از موضوعات مهم تفاهم‌نامه مذکور، همکاری واحدهای تابعه‌ی سازمان حفاظت محیط زیست با شوراهای اسلامی در انجام وظیفه‌ی نظارتی آنها در چارچوب قوانین و مقررات است.

## ۲. حق دادخواهی زیست‌محیطی فردی و گروهی

اصل سی و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.» با توجه به اهمیت مفهوم ذی‌نفع در اقامه‌ی دعوی در نظام حقوقی ایران و تمهیداتی که در مورد اعمال حق دادخواهی گروهی توسط سمن‌ها در آیین‌نامه‌ی تشکیل سازمان‌های غیردولتی و قانون آ.د.ک جدید پیش‌بینی گردیده است، در این قسمت نخست به بررسی مفهومی حق دادخواهی و سپس به تحلیل مفهوم و شرایط ذی‌نفع در دعوی گروهی و در نهایت به تبیین چگونگی اعمال حق دادخواهی شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در مقابل تخلفات و جرائم زیست‌محیطی خواهیم پرداخت.

### ۲-۱. تحلیل مفهومی حق دادخواهی

از جمله حقوق اساسی که ضامن حراست از سایر حقوق فردی و اجتماعی است و تأثیر قابل توجهی در تأمین امنیت قضایی جامعه دارد، حق دادخواهی زیان دیدگان و متضررین از جرائم در جبران خسارات وارده و همچنین حق دفاع خواندگان در رد و دفع دعوی و اتهام یا اتهامات روا

یا ناروا در اقامه‌ی دعوی و دفاع نزد مراجع انتظامی و قضایی است. منظور از حق دادخواهی آن است که چنانچه حقوق و آزادی‌های اساسی شخص در معرض تهدید قرار گرفته و یا به آنها تجاوز شود، می‌تواند از مراجع صلاحیت‌دار قانونی درخواست جبران خسارت وارده را نموده و مراجع مذکور بی‌غرضانه و در کمال استقلال در یک دادرسی عادلانه به ادعای وی رسیدگی کرده و در صورت اثبات رأی به جبران خسارت دهند (مؤذن‌زادگان: ۱۳۷۴، ص ۱۳۶-۱۳۳). منظور از دادگاه صالح ذکرشده در اصل ۳۴ قانون اساسی دادگاهی است که به حکم قانون تشکیل شود. همچنین اصل علنی بودن محاکمات (مگر در موارد مخالف نظم عمومی یا منافی عفت عمومی) که اصل ۱۶۵ قانون اساسی به آن تصریح دارد، حق داشتن وکیل در همه‌ی دادگاه‌ها که اصل ۳۵ به آن اشاره دارد، صدور آراء قضایی بر اساس موازین حقوقی و قضایی و به عبارت دیگر مستدل و مستند بودن احکام دادگاه‌ها که اصل ۱۶۶ نیز به آن پرداخته و امکان تجدیدنظرخواهی از آراء محاکم دادگستری از دیگر مصادیق تأمین حق دادخواهی شهروندان به شمار می‌رود. در مشروح مذاکرات قانون اساسی نیز مشاهده می‌نماییم که اصل ۳۴ از جمله اصولی بوده است که اختلاف چندانی در زمان تصویب آن وجود نداشته است و به عقیده‌ی یکی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی در دسترس بودن دادگاه‌ها هم وظیفه‌ی دولت است و هم حق مردم. تبصره‌ی ۲ سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی نیز حق دادخواهی را مورد تأکید قرار داده است. اصول ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون اساسی نیز دادگستری را مرجع تظلمات مردم معرفی کرده است.

## ۲-۲. مفهوم و شرایط ذی‌نفع در دعاوی گروهی بالاخص دعاوی زیست‌محیطی

مطابق ماده‌ی ۲ قانون آیین دادرسی مدنی «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوا رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده‌ی قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند». ذی‌نفع کسی است که در موضوع دعوا دارای نفعی باشد. موضوع ذی‌نفع در دعاوی کیفری زیست‌محیطی یکی از مسائل بحث‌برانگیز است. در واقع در این‌گونه جرائم، مجنی‌علیه قربانی خاموشی است که توان اعتراض و دفاع از خود را ندارد. در یک حالت از رهگذر ارتکاب جرائم علیه محیط زیست، به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر خسارت وارد می‌شود که در این حالت محیط زیست نیز به تبع شکایت زیان‌دیده‌ی خصوصی مورد حمایت نظام حقوقی قرار می‌گیرد. در حالت دوم جرم صرفاً علیه محیط زیست ارتکاب می‌یابد بی‌آنکه به طور مستقیم زیانی به اشخاص دیگر وارد شود. مانند شکار غیرمجاز و تخریب جنگل‌ها که ظاهراً زیانی را مستقیماً به اشخاص وارد نمی‌کند که در حالت اخیر جرم مذکور از مصادیق جرائم علیه منافع عمومی بوده و دادستان به عنوان

مدعی‌العموم حق اعلام جرم و طرح دعوای کیفری را دارا خواهد بود. لکن به موجب قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ که در سال ۱۳۹۴ اصلاح گردید، سمن‌های زیست‌محیطی نیز حق اعلام جرم و شرکت در جلسات دادرسی را به دست آورده‌اند و این در حالی است که ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون حمایت از طریق حقوق کیفری<sup>(۴)</sup> به گروه‌های زیست‌محیطی از جمله سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به عنوان ذی‌نفع برای طرح دعوای زیست‌محیطی سمت اعطا نموده است (علیایی طیبی شاهی و دیگران: ۱۳۹۵، ص ۱۵۱-۱۵۰) اقامه‌ی دعوای گروهی، طریقی برای احقاق حق و جبران خسارت وارده به تعداد زیادی از افراد با هدف کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی رسیدگی و استفاده‌ی بهینه از زمان و سرمایه‌ی سیستم قضایی شمرده می‌شود. بیشتر مورخین دعوای گروهی را به عنوان جزئی از دادخواست ویژه‌ی<sup>(۵)</sup> مطرح در قرن هفدهم در دادگاه‌های چنسری انگلستان تلقی می‌کنند. این دادخواست به طرفین دعوا امکان می‌داد تا موضوع واحد خود را در یک دعوا نزد دادگاه‌های چنسری مطرح نمایند و خواهان می‌بایست ثابت کند انعکاس‌دهنده‌ی منافع اعضای گروه است، زیرا حکم دادگاه برای تمامی خواهان‌ها الزام‌آور خواهد بود (Miller, 2009, p131). فایده‌ی اصلی طرح دعوا به صورت جمعی در مقایسه با دعوای که از سوی یک فرد اقامه می‌شود، امکانی است که برای افراد جهت استفاده‌ی بهتر از منابع خود در جهت پیشبرد دعوا فراهم می‌آورد. در نظام حقوقی ایران نیز امکان اجتماع افراد برای اقامه‌ی دعوا و مطالبه‌ی حق تضییع‌شده‌ی خود در خصوص حادثه‌ی واحد وجود دارد. از مفهوم مخالف ماده‌ی ۶۵ قانون آ.د.م برمی‌آید که هر گاه دو یا چند دعوا از یک منشأ تولید شده باشد یا بین آنها ارتباط کامل موجود باشد و به موجب یک دادخواست اقامه شوند، مرجع رسیدگی مکلف است به آن دعوای در یک دادرسی به طور توأمان رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. مصداق بارز دعوای گروهی، دعوای زیست‌محیطی است که در کشورها اصولاً توسط سازمان‌های مردم‌نهاد در مراجع قضایی مطرح می‌شوند؛ چراکه در این دعوای یک حادثه یا روش رفتاری منجر به ورود خسارت به گروهی از افراد شده است (قاسمی حامد و دیگران: ۱۳۹۳، ص ۱۰۸-۱۰۷). در همین راستا در کشور ما چنین موضوعی با اندک تغییراتی پیش‌بینی شده است که در مبحث بعدی مفصلاً به آن خواهیم پرداخت.

## ۲-۳. حق دادخواهی زیست‌محیطی شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در قبال تخلفات و جرائم زیست‌محیطی

حق دادخواهی زیست‌محیطی یکی از اصول مسلم حقوق محیط زیست به شمار می‌رود. اسناد بین‌المللی در حوزه‌ی محیط زیست بر حق اشخاص در دسترسی محاکم تأکید ورزیده‌اند.

ماده‌ی ۱۸ پیش‌نویس طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، اصل ۲۳ منشور جهانی طبیعت، اصل ۱۰ اعلامیه ریو و ماده‌ی ۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به انجای گوناگون حق دادخواهی را به رسمیت شناخته‌اند. یکی از روش‌های تحقق ضمانت اجرا در این زمینه، تسهیل دسترسی به محاکم برای شهروندان و سازمان‌های غیردولتی است. لذا تبیین دایره‌ی سمت در دعای زیست‌محیطی متفاوت از سایر حوزه‌ها امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی را برای حفاظت از محیط زیست میسر می‌سازد. اتفاقی که در اغلب دعای زیست‌محیطی روی می‌دهد آن است که رویدادی منجر به آسیب رسیدن به محیط زیست و جمع‌کنندگی از مردم می‌شود و در این میان چه‌بسا آسیب‌دیدگان مستقیم حادثه بنا به دلایل مختلف قادر به طرح دعوا نباشند. در این صورت این پرسش پیش می‌آید که آیا آسیب‌های وارده به محیط زیست باید مغفول بماند؟ بنابراین یکی از نگرانی‌های به‌حق جامعه‌ی جهانی دایره‌ی اشخاص ذی‌نفع برای طرح دعوا در رابطه با آسیب‌های زیست‌محیطی است. لذا لزوم دسترسی شهروندان و سازمان‌های فعال محیط زیستی به مراجع قضایی از تعهد و مسئولیت اجتماعی همگانی به حفاظت از محیط زیست نشأت می‌گیرد، چراکه سازمان‌های مذکور به دلیل برخورداری از تخصص و به سبب آنکه حلقه‌ی ارتباطی میان شهروندان و نهادهای حاکمیتی هستند می‌توانند در پیگیری‌های قضایی نقش به‌سزایی ایفا نمایند (رمضانی قوام‌آبادی: ۱۳۹۵، ص ۹۸۱-۹۷۸). امروزه سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد به عنوان نمایندگان جامعه در پیشبرد مسائل فرهنگی و اجتماعی نقش اساسی دارند و حضور و نقش‌آفرینی این سازمان‌ها می‌تواند ضمن تأمین و تضمین مشارکت مردم، بر کارآمدی و اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف کشور اثرگذار باشد. لذا عدم تمرکزگرایی و ضابطه‌مند کردن حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اعتقاد به مشارکت عمومی در نظام اجتماعی از مهم‌ترین شرایط جهت استفاده از نظرات و اندیشه‌های مردمی است (کوشکی: ۱۳۹۲، ص ۶۶). قبل از تصویب قانون جدید آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در حقوق کشور ما اصل بر این بود که کسی حق اقامه‌ی دعوا به نام دیگری را ندارد و هیچ قانونی نیز صراحتاً حق اقامه‌ی دعوی سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد زیست‌محیطی را به مراجع قضایی شناسایی نمی‌کرد و چنین حقی را حسب موضوع دعوا به متولیان دولتی محدود می‌ساخت و تنها با استناد به برخی مقررات پراکنده (مانند آیین‌نامه‌ی اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی) و تفسیری موسع از آنها می‌توانستیم حق دسترسی این قبیل سازمان‌ها را به مراجع قضایی استنباط نماییم<sup>(۶)</sup>؛ چراکه در اصل سی و چهارم کاربرد واژه‌های «هر فرد»، «هر کس» و «همه افراد ملت» این امر را به ذهن متبادر می‌سازد که توجیه حقوقی برای حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی‌ها وجود دارد. همچنین به موجب

اصل پنجاهم قانون اساسی حفاظت محیط زیست وظیفه‌ی عمومی تلقی می‌گردد. مطابق اصل هشتم قانون اساسی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم و دولت نسبت به یکدیگر. بر اساس اصل نود قانون اساسی نیز «هر کس» شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه‌ی مجریه یا قوه‌ی قضائیه داشته باشد می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. به موجب ماده‌ی ۱۶ آئین‌نامه‌ی اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۹ نیز سمن‌ها حق دارند در موضوع فعالیت خود برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه‌ی دعوی نمایند. یکی از بارزترین نمونه‌های عملی در زمینه‌ی طرح دعوی سازمان‌های مردم‌نهاد مربوط به جنگل لویزان است. طی این دعوا سازمان‌های مذکور در سال ۱۳۸۴ علیه معاونت فنی شهرداری تهران به دلیل تخریب این جنگل و قطع بیش از ۸۰۰۰ اصله درخت جنگلی آن طرح دعوا نمودند. هرچند طرح این دعوا عملاً نتیجه‌ای در بر نداشت، اما اینکه مرجع رسیدگی‌کننده دعوا را استماع نمود، تحولی چشمگیر در حقوق ایران به شمار می‌آید. اما نکته‌ی مهم این است که از آنجا که از نظر شکلی آیین‌نامه‌ها جزء مقررات محسوب می‌شوند نه قوانین، لذا ضمانت اجرای قانون را نداشته و به موجب اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی قضات دادگاه‌ها مکلف‌اند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه‌ی مجریه است، خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. از این رو پیش‌بینی حق دادخواهی برای سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد در آیین‌نامه‌ی مذکور به تنهایی کافی نبود (بهرامی احمدی و دیگران: ۱۳۹۲، صص ۸۸-۸۷) تا اینکه در سال ۱۳۹۲ قانون جدید آ.د.ک در ماده‌ی ۶۶ صراحتاً حق اعلام جرم و شرکت در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه‌ی دلیل و اعتراض نسبت به آراء مراجع قضایی را برای سمن‌هایی که در زمینه‌ی محیط زیست فعالیت می‌کنند، به رسمیت شناخت. در رابطه با حق دادخواهی شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد باید اذعان کنیم که قابلیت دادخواهی یک حق به این معناست که صاحبان حق بتوانند در صورتی که دولت یا سازمان‌های عمومی فعال در محیط زیست به وظایفشان عمل نکردند، به مراجع قضایی مراجعه و اقدام به اقامه‌ی دعوی و درخواست غرامت و جبران خسارت نمایند؛ لذا حق بر محیط زیست و حق بر سلامت شهروندان از جمله حقوقی است که برای اجرایی شدن و مؤثر بودن بایستی قابل دادخواهی باشند، چراکه حقوق در صورت عدم امکان مراجعه به دادگاه برای برآورده شدن آنها معنای خود را از دست می‌دهد (کوکبی سقی: ۱۳۹۵، صص ۱۴ و ۱۳). در این راستا در جمهوری اسلامی ایران باید بگوییم اگر سمن‌ها خود به طور مستقیم بزه‌دیده باشند، هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد

که آنها بتوانند طرف دعوا قرار بگیرند، زیرا بر اساس ماده‌ی ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی و هر گاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می‌شود؛ لذا قانون مذکور با به کار بردن واژه‌ی شخص برای بزه‌دیده، آن را به صورت کلی و عام به اشخاص حقیقی و حقوقی تسری داده است (رمضانی قوام‌آبادی: ۱۳۹۴، ص ۵۶۱). همچنین بر اساس وحدت ملاک ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ در مواردی که زیان‌دیده در دعاوی زیست‌محیطی، شهروندان یا سمن‌ها باشند و از اقدامات مخالف محیط زیست مستقیماً یا به طور غیرمستقیم خسارتی به آنها وارد شود و در واقع ذی‌نفع دعوا باشند، حق آنها را برای اقامه‌ی دعوا در محاکم دادگستری به رسمیت می‌شناسند؛ اما مشکل در جایی مطرح می‌شود که شهروندان یا سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی که از اجتماع افراد فعال در محیط زیست تشکیل شده بخواهند علیه یک شخصیت حقوق عمومی یا شخصیت حقیقی یا حقوقی خصوصی اقامه‌ی دعوا نمایند که بحث سمت داشتن و ذی‌نفع بودن در دعوا مطرح می‌شود. ماده‌ی ۶۶ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ قبل از اصلاح سال ۱۳۹۴ در رابطه با حق دادخواهی سمن‌ها مقرر می‌داشت: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی و ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند» که وجود این ماده گامی رو به جلو در حمایت از فعالیت سمن‌ها و موضوعات فعالیت آنها بود، لکن با اصلاحیه‌ای که در سال ۱۳۹۴ به این ماده وارد شد، عبارت «جهت اقامه دلیل» و «اعتراض به آراء مراجع قضایی» از متن ماده حذف گردید. اتفاقی که به عقیده‌ی فعالان محیط زیست به تضعیف نقش و عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در اعمال حق دادخواهی آنها می‌انجامد. بنابراین نهایت کاری که سمن‌ها می‌توانند در راستای اعمال حق دادخواهی که اصل سی و چهارم قانون اساسی به آن تصریح دارد انجام دهند، آن است که صرفاً می‌توانند اعلام جرم کنند نه شکایت، چون مفهوم شکایت و اعلام جرم در حقوق کیفری متفاوت است. درخواست تعقیب جرمی که دارای حیثیت و جنبه‌ی عمومی باشد را اعلام جرم می‌گویند؛ یعنی هر کس می‌تواند اعلام جرم کند و تعقیب مجرم را از دادستان بخواهد، اما اگر جرمی جنبه‌ی شخصی یا خصوصی داشته باشد، شاکی خصوصی باید شکایت کند و در صورت عدم شکایت، تکلیفی برای دادستان ایجاد نمی‌شود؛ از این رو حق شرکت در تمام مراحل دادرسی بدون حق مداخله در فرآیند دادرسی بدون امکان اقامه‌ی دلیل و اعتراض به تصمیمات یا آرای قضایی، چیزی در

حد امکان تماشای روند دادگاه به عنوان یک تماشاجی است. همچنین نه تنها اصل ماده‌ی ۶۶ اصلاحی هیچ حق جدیدی به سمن‌ها نداده است، بلکه تبصره‌ی ماده‌ی مذکور نیز تفسیری غیر قابل توجیه در راستای حق دادخواهی آنها ایجاد کرده است. تبصره‌ی ۳ این ماده مقرر داشته: «اسامی سازمان‌های مردم‌نهادی که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزارت کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.» یعنی اساساً ممکن است یک سازمان مردم‌نهاد زیست‌محیطی در لیست تهیه‌شده توسط وزارت کشور قرار نگیرد یا اگر هم در لیست پیشنهادی وزارت کشور قرار گرفت، به تصویب قوه قضائیه نرسد و این‌گونه از همین حق اعلام جرم هم محروم شود؛ بنابراین ماده‌ی ۶۶ اصلاحی یک عقب‌گرد زیان‌بار و یک عدول غیر قابل قبول از اصول ۳۴، ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون اساسی است که حق دادخواهی را برای هر کسی به رسمیت شناخته و دادگستری را مرجع تظلمات عمومی معرفی کرده است. هرچند که ممکن است اشخاص زیادی از وقوع یک جرم متحمل ضرر و زیان شوند، اما تنها بزه‌دیده‌ای که مستقیماً از وقوع جرم لطمه دیده می‌تواند در فرآیند کیفری به عنوان شاکی تقاضای تعقیب متهم را نماید. لکن با توجه به آنکه مطابق ماده‌ی ۸ قانون آ.د.ک جدید جرم می‌تواند دارای حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی باشد، بدیهی است که جرائم علیه محیط زیست، منابع طبیعی و بهداشت عمومی واجد جنبه‌ی عمومی دانسته شده و چون ذی‌نفع آنها جامعه است، هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی می‌تواند اعلام جرم کند. لذا ماده‌ی ۶۶ با اعطای حق اعلام جرم از طرف سمن‌ها در واقع اختیار جدیدی به آنها اعطا نکرده است و بنابراین با توجه به آنکه هدف از وضع ماده‌ی مذکور حمایت است، لذا حمایت با صرف اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی محقق نمی‌گردد (وروایی و دیگران: ۱۳۹۵، ص ۳۶) با این وجود به اعتقاد برخی حقوقدانان علی‌رغم تصویب ماده‌ی ۶۶ پس از اصلاحات به این شکل، باز هم تدوین و تصویب این ماده را باید به فال نیک گرفت، زیرا بیانگر جهت‌گیری نوین قانونگذار ایران (به صورت یک قانون آن هم پس از حدود ۱۰ سال از تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴) نسبت به حضور سمن‌ها در فرآیند دادرسی است. لذا در عمل چاره‌ای جز این باقی نخواهد ماند تا با وجود چنین تغییرات و در نظر گرفتن نقش ناچیز برای سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق حق خودخواهی آنها، واکنش دستگاه قضایی و رویه‌ی قضایی را نسبت به حضور و فعالیت این نهادها به نظاره بنشینیم (رمضانی قوام‌آبادی، پیشین، ص ۵۶۶ و ۵۶۴). چراکه ماده‌ی ۱۶ آیین‌نامه‌ی اجرایی مذکور حق اقامه‌ی دعوای سازمان‌های مردم‌نهاد در موضوع فعالیت خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و

حقوقی را به رسمیت می‌شناسد، لکن با تصویب ماده‌ی ۶۶ اصلاحی قانون آ.د.ک از آنجا که قوانین از لحاظ سلسله‌مراتب حقوقی از آیین‌نامه‌ها بالاترند، اصولاً بایستی مفاد قانون مذکور در محاکم رعایت شود. اما در این میان نقش قوه‌ی قضائیه به عنوان مرجع تنظیم‌خواهی شهروندان و سازمان‌های غیردولتی در جمع نمودن بین این دو مصوبه و گاهی تفاسیر کمک‌کننده‌ی قضات از مفاد قانونی می‌تواند به افزایش حق دادخواهی سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان یک نهاد مشارکتی و نهاد بارز مردم‌سالاری منجر شود. نکته‌ی مهم دیگری که در اینجا وجود دارد بحث دادخواهی و شکایت شهروندان و سمن‌ها از سازمان‌ها و مؤسسات عمومی است که برخلاف حقوق بین‌الملل محیط زیست و قوانین برخی کشورها که حق طرح دعوا علیه دولت را به دلیل انجام تخلفات زیست‌محیطی یا حتی کوتاهی در حفاظت از محیط زیست به آنها اعطا نموده‌اند. لکن عملکرد نظام حقوقی ایران در این زمینه مطلوب نبوده و نقص قوانین در پیگیری قضایی تخلفات زیست‌محیطی به‌ویژه تخلفات صورت‌گرفته از سوی نهادهای دولتی یکی از چالش‌های مهم در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود. در انگلستان اختیار شروع تعقیب و ایراد اتهام به افراد عادی واگذار شده است که به موجب آن هر کسی حتی اگر بزه‌دیده‌ی جرمی نباشد، می‌تواند دعوای عمومی را به جریان اندازد و در این صورت باید دعوا را تا انتها از طریق مشاور یا وکیل خود دنبال نماید. در نظام حقوقی فرانسه نیز به موجب قانون حمایت از محیط زیست به انجمن‌های حامی محیط زیست سمت حقوقی اعطا شده است تا بتوانند در شرایط مندرج در این قوانین نزد مراجع اداری و قضایی طرح دعوا کنند (بهرامی احمدی و دیگران، پیشین، ص ۹۴-۸۸). آراء صادرشده از دادگاه‌های آمریکا در نخستین دعوای زیست‌محیطی نیز نشان‌دهنده‌ی تسامح دادگاه‌ها در تفسیر نظریه‌ی سمت است، مانند رأی دیوان عالی آمریکا در ۱۸ ژوئن ۱۹۷۳ به طرفیت پنج دانشجوی دانشگاه جورج واشینگتون و دولت ایالات متحده مبنی بر آنکه افزایش قیمت‌ها هزینه‌ی حمل و نقل کالاهای بازیافتی را افزایش داده و به کاهش عملیات بازیافت منجر شده و این مسئله باعث ازدحام زباله در پارک‌ها شده و سبب عدم بهره‌مندی کافی از محیط زیبا و سالم پارک گردیده است (judgement of US Supreme Court, 1973, No. 72.535) یا اینکه دادگاه اروپایی حقوق بشر در ۹ ژوئن ۲۰۰۵ تقصیر دولت روسیه را در عدم جلوگیری از آلودگی ناشی از کارخانه‌ی فولاد اعلام نمود (judgement of European Court of Human Rights, 2005, No. 55723/00). در ایران اگرچه سازمان حفاظت محیط زیست علیه متخلفین و کسانی که به آلودگی یا تخریب محیط زیست می‌پردازند اقدام می‌کند، اما این نقش در عمل محدود به اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی بوده و این سازمان از ابزارهای مؤثر نظارت بر اجرای ضوابط زیست‌محیطی در نهادها و تشکیلات دولتی برخوردار نیست. برای مثال وسایل نقلیه‌ی آلاینده‌ی



اشخاص حقوق عمومی یکی از عوامل اساسی ایجاد و افزایش آلودگی هوای تهران و به حد بحرانی رسانیدن کیفیت هوا و حتی آلودگی صوتی است. با این وجود سازمان حفاظت محیط زیست تاکنون موفق نشده در اعمال سیاست‌های خویش در برخورد با موانع دولتی، وظیفه و مسئولیت حفظ محیط زیست را دقیقاً تعقیب کند. همچنین در نظام قضایی ایران تخلف از حقوق زیست‌محیطی شهروندان به خودی خود مبنایی برای طرح دعوا در محاکم قضایی تلقی نمی‌شود. حداقل اینکه این خسارت نمی‌تواند به عنوان تخلف از محیط زیست تعقیب گردد، بلکه باید در پرتو عناوین مربوط به مسئولیت مدنی (کریمی و دیگران: ۱۳۹۶، ص ۹۹-۹۸) یا اعلام جرم زیست‌محیطی توسط سازمان‌های مردم‌نهادی که در لیست وزارت کشور و قوه قضائیه هستند مطرح گردد؛ چراکه شهروندان بر اساس منطوق ماده ۶۶ قانون آ.د.ک به تنهایی حتی حق اعلام جرم زیست‌محیطی را نیز ندارند، بلکه اعلام جرم زیست‌محیطی و شرکت در فرآیند دادرسی‌های زیست‌محیطی همان‌طور که اشاره گردید، در صلاحیت سمن‌های واجد شرایط و تأییدشده توسط قوه قضائیه خواهد بود و شهروندان در صورت تحقق و اثبات ضرر مادی یا معنوی از فعالیت‌های آلاینده و تخریب‌کننده زیست‌محیطی صرفاً حق جبران خسارت بر اساس قانون مسئولیت مدنی را دارند. علاوه بر اینکه هر گاه اشخاص حقوق خصوصی شامل شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد به طور مستقل به تصمیمات و اقدامات دولت که به آلودگی محیط زیست منجر شده است معترض باشند، می‌توانند به دیوان عدالت اداری هم مراجعه نمایند و البته تعیین میزان خسارت بر عهده دادگاه‌های عمومی است و هر گاه اشخاص حقوقی خصوصی مذکور اعتراض خود را از طریق سازمان‌های عمومی صالح در حوزه محیط زیست مطرح کنند، دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی دارند. البته این نکته را نیز باید در نظر داشت که هم اشخاص حقوقی خصوصی و هم اشخاص حقوقی عمومی مطابق اصل ۱۷۰ قانون اساسی و قانون دیوان عدالت اداری حق درخواست ابطال مصوبات و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های نهادها و مؤسسات عمومی را از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری خواهند داشت. مانند رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه‌ی شماره ۴۰۹ مورخ ۸۲/۱۰/۱۴ در خصوص ابطال بخشنامه‌ی ۴۷۱۳۳/۴۲۱ وزارت نیرو در مورد لزوم صیانت از منابع آبی کشور یا رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری دادنامه‌ی ۶۲-۶۱ مورخ ۸۰/۰۲/۳۰ مبنی بر ابطال بخشنامه‌ی ۸۹۸/۸۲۱۳ و ۸۲۸/۹۵۸۸ در مورد شکایت اشخاص حقوقی خصوصی علیه شرکت ملی نفت در مورد ممنوعیت نصب کیت گازسوز بر روی خودروها یا شکایت سازمان انرژی اتمی علیه گمرک ایران از لحاظ درخواست ابطال بخشنامه‌ی گمرک در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رابطه با نظارت بر کالاها از نظر کنترل آلودگی هسته‌ای مواد غذایی. مستدعی ست در حال

حاضر با وجود اختلافات گوناگون بین دستگاه‌های دولتی و درخواست آنها به اقامه‌ی دعوا در دادگستری، لکن با صدور بخشنامه‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه دادگاه‌ها از رسیدگی به دعاوی بین نهادهای با شخصیت حقوق عمومی برحذر شده‌اند و با توجه به مصوبه‌ی دولت مسئولان ارجاع پرونده باید دستگاه‌های دولتی را برای رفع اختلافات خود به راهکارهای داخلی قوه‌ی مجریه هدایت کنند (بهرامی احمدی، پیشین، ص ۹۱). همچنین علی‌رغم آنکه قوه‌ی قضائیه در برخورد با پرونده‌های زیست‌محیطی در برخی موارد آن طور که مورد انتظار بوده عمل ننموده و با استدلال‌هایی مانند آنکه نصب سیستم جلوگیری‌کننده از آلودگی محیط زیست توسط نهادهای دولتی به منابع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانجات به دلیل تخلفات زیست‌محیطی باعث بیکاری شماری از کارگران و بروز مشکل برای آنها و دولت می‌گردد (بهرامی احمدی و دیگران، پیشین، ص ۱۰۱-۹۷) در موارد دیگری بسیار شایسته عمل نموده و در جهت حفاظت از محیط زیست گام‌های رو به جلویی برداشته است. مانند پرونده‌ی عبور مترو از خیابان چهار باغ اصفهان که بازپرس آگاه و مستقل شعبه‌ی ۵ دادرسی اصفهان در مورد شکایت یکی از شهروندان از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری اصفهان در مورد عدم اقدام مناسب آنها در جهت جلوگیری از تخریب محیط زیست، از اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه درخواست نظر مشورتی نموده است و آن اداره‌ی کل نظریه‌ای بسیار تخصصی در جهت حفاظت از محیط زیست صادر نموده است به این مضمون که «... چنانچه هر یک از دولت‌مردان در اداره و تصدی اموال عمومی موصوف مرتکب تعدی یا تفریط شود، هر یک از افراد ملت من باب امر به معروف و نهی از منکر حق اعتراض و بر این اساس اختیار دارد به دادستان مراجعه و دادخواهی کند. دادگستری مرجع تظلمات عمومی است و هر یک از متضرران از اقدامات غیرقانونی مسئولان مملکتی و سایر افراد جامعه می‌تواند به دادگستری مراجعه و عنداللزوم با پرداخت هزینه‌های قانونی اعلام شکایت کند. بنابراین چنانچه شهرداری بر اساس اجازه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مرتکب اقداماتی شده باشد که سبب تزلزل بنیان آثار فرهنگی تاریخی شود، بنا به دادخواهی هر یک از افراد ملت، دادستان محل مکلف به رسیدگی در تعقیب متهمان به ارتکاب جرم اعم از مباشر و معاون بر اساس ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ خواهد بود (دادخواه: ۱۳۸۷، ص ۷).

### نتیجه گیری

هر یک از افراد جامعه به عنوان یک شهروند یا اجتماع شهروندان در قالب تشکل‌های زیست‌محیطی از طرق مختلف می‌توانند نظارت خود را در قالب امر به معروف و نهی از منکر

بر عملکرد اشخاص حقیقی و حقوقی اعمال نموده و در صورت مواجهه با تخلفات زیست‌محیطی از سوی بخش خصوصی و بخش عمومی یا حتی کم‌کاری و کوتاهی در این بخش، از طریق توصیه و ارشاد و اخطار و در نهایت ارائه گزارش به نهادها و مؤسسات عمومی (در صورتی که تخلف از سوی بخش خصوصی باشد) و در صورت عدم اقدام به‌موقع آنها یا در صورتی که متخلف از قوانین زیست‌محیطی خود اشخاص حقوق عمومی باشند، از طریق ارائه گزارش به سازمان بازرسی کل کشور و حتی اقامه‌ی دعوی زیست‌محیطی در مراجع قضایی علیه نهادهای دولتی و غیردولتی اقدام نمایند. تدوین سیاست‌های کلی نظام از سوی مقام معظم رهبری و تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۴ همگی نشان از اهمیت نظارت مردمی بر عملکرد اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه در راستای حفاظت از محیط زیست دارد. لذا اگر شهروندان و سمن‌ها مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم از اعمال غیرمجاز زیست‌محیطی خسارتی به آنها وارد شود، بر اساس قانون مسئولیت مدنی در همه حال حق اقامه‌ی دعوا علیه اشخاص حقیقی و حقوقی متخلف را خواهند داشت. در غیر این صورت بر اساس قانون آ.د.ک پس از اصلاح سال ۱۳۹۴ سمن‌های مورد تأیید قوه‌ی قضائیه صرفاً حق اعلام جرم به دادستان و شرکت در مراحل دادرسی را خواهند داشت که این نوعی عقب‌گرد زیان‌بار از حق دادخواهی است که در قانون اساسی بسیار بر آن تأکید شده است. متأسفانه در کشورمان به دلیل نقص قوانین و رویکرد قوه‌ی قضائیه در برخی موارد از صدور رأی بر این اساس امتناع می‌گردد. هرچند در برخی موارد (مانند پرونده‌ی عبور مترو از چهارباغ اصفهان و پرونده‌ی جنگل لویزان) نیز قوه‌ی قضائیه با تفسیر موسع و به نفع عموم جامعه نظرات و اقدامات شایسته و قابل توجهی را ارائه داده است و نکته‌ی آخر نیز آنکه شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در صورت ذی‌نفع بودن و داشتن سمت حق شکایت از تصمیمات و اقدامات نهادهای عمومی در دیوان عدالت اداری و در صورتی که اعتراضی نسبت به مصوبات دولت شامل آیین‌نامه‌ها و... داشته باشند، بر اساس اصل ۱۷۰ قانون اساسی و قانون دیوان عدالت اداری حق درخواست ابطال این‌گونه مقررات را از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری خواهند داشت.

## یادداشت‌ها

۱. «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.»

۲. آن‌گونه که از مشروح مذاکرات اصل هشتم فهمیده می‌شود، به نظر می‌رسد بر سر مسئله‌ی چگونگی تدوین و نگارش اصل فوق با وجود تصویب نهایی لکن اختلاف نظرات زیادی وجود داشته است. مانند اظهار نظر آقای صافی مبنی بر اینکه «امر به معروف و نهی از منکر مثل شوراها نیست که بگوییم شرایط را قانون معین می‌کند. این امر شرایطش معلوم است. یک مطلبی که الآن در شرع هست دیگر معین کردن آن صحیح نیست». یا اظهار نظر آقای رشیدیان که می‌فرمایند «قانون معین می‌کند را مشخص بفرمایید، کدام قانون معین خواهد کرد و بهتر است بنویسیم این قانون و قوانین دیگر». یا آقای انواری می‌فرماید «باید نوشته شود شرایط و حدود و کیفیت آن در کتب فقهیه ذکر شده است».

۳. منظور از جرائم موضوع این قانون جرائمی است که علیه آمران صورت می‌گیرد.

#### 4. Convention on the Protection of the Environment through Criminal law

#### 5. Bill of Peace

۶. منظور از مقررات پراکنده مصوباتی غیر از قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی است. یعنی آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصویب‌نامه‌های دولت که مهم‌ترین آنها آیین‌نامه‌ی اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴ است که صراحتاً حق دادخواهی در مراجع قضایی و شبه قضایی ذکر گردیده است.

## منابع

### الف) فارسی

۱. باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۵)، پویش‌های محیط زیستی شکل مدرن امر به معروف و نهی از منکر است، کد خبر: ۵۸۱۵۵۷۰، ۲۱ مهرماه.
۲. بسیج، احمدرضا (۱۳۸۹)، «امر به معروف و نهی از منکر و حقوق شهروندی»، مجله معرفت، سال ۱۹، شماره‌ی ۱۵۱.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، «آسیب‌شناسی عدم اجرای اصل هشتم قانون اساسی»، مجله *ادیان، مذاهب و عرفان*، شماره‌ی ۱۳۱.
۴. بهرامی احمدی، مجید و علم‌خانی، اعظم (۱۳۹۲)، «تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت‌های زیست‌محیطی»، مجله *دانش حقوق عمومی*، سال دوم، شماره‌ی ۵.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، تاریخ رؤیت: ۲۵ خردادماه ۱۳۹۷.
۶. جوان آراسته، حسین (۱۳۹۰)، «قلمرو شرعی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر (حوزه مردم نسبت به یکدیگر)»، فصلنامه *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره‌ی ۲۷.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، «نظارت همگانی و متقابل در نظام اسلامی (تحلیل اصل هشتم قانون اساسی)»، فصلنامه *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره‌ی ۳۴.
۸. دادخواه، محمدعلی، «چاره چهارباغ»، *روزنامه اعتماد*، شماره‌ی ۱۸، ۱۳۸۷/۰۹/۱۸۴۰.
۹. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و جوادمنش، جواد (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذی‌نفع در اقامه دعاوی زیست‌محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه *مطالعات حقوق عمومی*، دوره‌ی ۴۶، شماره‌ی ۴.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه از تأسیس تا فعالیت»، مجله *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۲.
۱۱. سیفی کناری، فاطمه (۱۳۹۰)، «امر به معروف و نهی از منکر»، مجله *نامه جامعه*، شماره‌ی ۸۷.

۱۲. اداره امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، جلسه اول تا سی و یکم، چ ۱، تهران.
۱۳. طلائی، اکبر و اصلانی، فیروز (۱۳۹۴)، «بازخوانی مبانی حقوقی امر به معروف و نهی از منکر با نگاهی به حقوق بشر معاصر»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۷.
۱۴. علیایی طیبی شاهی، فائقه و کامرانی، احسان (۱۳۹۵)، «تکالیف و تعهدات محیط زیست در دولت جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۴.
۱۵. قاسمی حامد، عباس و فلاح، آرزو (۱۳۹۳)، «دعوی گروهی و تأثیر آن بر حمایت از حقوق مصرف‌کننده»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۵.
۱۶. کریمی، عباس و کامیار، غلامرضا (۱۳۹۶)، «محیط زیست شهری در پرتو حقوق شهروندی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
۱۷. کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲)، «سازمان‌های غیردولتی از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴.
۱۸. کوکی سقی، فاطمه (۱۳۹۵)، «قابلیت دادخواهی حق بر سلامت در نظام حقوق بین‌الملل»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال دهم، شماره ۳۷.
۱۹. موسی‌زاده، ابراهیم و عمید زنجانی (۱۳۸۹)، عباسعلی، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، چ ۱، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. مؤذن‌زادگان، حسن‌علی (۱۳۷۷)، «حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹.
۲۱. وروایی، اکبر، محمدی، همت، نوریان، ایوب (۱۳۹۵)، «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری»، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۱۲، شماره ۲.

### (ب) لاتین

1. H. Miller, Chris, (2009), the Adaptive American Judiciary: From Classical Adjudication
2. To Class Action Litigation, Albany Law Review, Vol. 72.
3. Judgement of US Supreme Court about United States v. SCRAP, No. 72535, 18/6/1973
4. Judgement of European Court of Human Rights about FADEYEVA v. Russia, No. 55723/00, 9/6/2005